



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ نامبر: ۰۲۱۹-۸۸۸۸۰۰۰۰ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۰۲۲-۸۸۸۱۴۳۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰
چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶
www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۲ اذان مغرب ۲۰:۲۳ اذان صبح فردا ۴:۰۹ طلوع آفتاب ۵:۵۱

نگاه سبز

جراپی گسترش ریزگردها در آسمان ایران

محمد درویش
Darvish@gmail.com

■ گزارش‌هایی که پیوسته از ماجرای ریزگردها در سطح نهادهای اجرایی، پژوهشی، دانشگاهی و رسانه‌ای کشور در حال انتشار است، گواه افزایش شتابان رخداد این یلای ریز، بدون توجه به محدوده زمانی یا مکانی خاص است. این در حالی است که دست‌کم از تیرماه ۱۳۸۸، به نظر می‌رسید که عزم جدی‌تری برای مواجهه و مهار این بحران در عالی‌ترین سطح حکومت مطرح شده است، چراکه برای نخستین‌بار شاهد اعزام هیات‌های عالی‌رتبه دیپلماتیک در سطح معاون رئیس‌جمهور به کشورهای منطقه، به‌ویژه عراق، ترکیه و سوریه برای حل بحران بودیم.

اما حاصل این تالش‌های دیپلماتیک، نه‌تنها نتوانسته است اندکی از شدت این پدیده مخرب بکاهد، بلکه آشکارا بر شمار غلظت و پراکنش آن در ایران هم افزوده شده و می‌شود. به نحوی که اینک تنها شش استان از مجموع ۳۱ استان کشور را می‌توان تا اندازه‌ای بری از خسارت‌های ریزگرد، برشمرد.

نکته حیرت‌انگیزتر ماجرا این است که با وجود چنین وضعیت‌نگران‌کننده‌ای، هنوز هیچ پژوهش یا مطالعه جامعی در مورد بررسی منشأ این ریزگردها و تعیین سهم داخلی یا خارجی‌بودن آنها انجام نشده است و تنها برخی مطالعات محدود دولتی، به‌ویژه در پارای از دانشگاه‌های کشور انجام شده که هرگز پاسخگوی نیاز کنونی برای تبیین برنامه‌ریزی کامل و جامع به منظور مواجهه خردمندانه و کارساز در کمینه زمان ممکن با این مشکل نیست. از جمله این پژوهش‌ها باید به مطالعات «دکتر حسین آخانی» از دانشگاه تهران اشاره کرد که با بررسی نهشته‌های چرای مانده در تهران، بدین نتیجه رسید که این ریزگردها منشأ تالابی دارند؛ واقعیتی که آشکارا خط بطلان بر پندارینه‌ای کشید که طرفدارانش معتقد بودند: ریزگردها حاصل یک فرآیند طبیعی و متاثر از همجواری با صحرای بزرگ عربستان و آفریقا هستند و مدام از تصاویر ماهواره‌ای «ناسا» در تایید سخنان‌شان سند می‌آورند و می‌آورند. البته بدیهی است که چنین نظریه‌ای طرفداران خاص و دولتی خود را دارد؛ به‌ویژه در بین آن گروه از آب‌سالاران طبیعت‌گریزی که با تشدید سازوکار مدیریت سازه‌ای و نمادهای مشهورش در ایران، ترکیه و سوریه (یعنی احداث سد‌های پهن‌پیکر و طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای بزرگ مقیاس) کوشیدند تا ماهیت آب‌شناختی (هیدرولوژیکی) حوضه‌های آبخیز در ایران مرکزی، خوزستان، جنوب ترکیه و میان‌رودان (بین‌النهرین) را تغییر دهند و همه حقایق پایاب را به نفع سرباز (در طرح‌های سدسازی) یا برعکس (در طرح‌های انتقال بین حوضه‌ای) به‌انحصار در آورند.

به سختی ساده‌تر، تا زمانی که هنوز در بنده دولت یا برخی نهادهای دانشگاهی، چنین تفکری وجود داشته باشد که نخواهد یا نداند که ریشه تشدید ریزگردها را باید در عملکردهای نامیوم انسانی و فشارهای بی‌تناسب با توانمندی‌های بوشناختی سرزمین جستجو کرد، معلوم است که زمان را همین‌گونه که اینک بی‌محابای فردها از دست دادایم، از دست خواهیم داد و فرصت‌ها را برای شناسایی چشمه‌های جدید تولید گرد و خاک در منطقه و یافتن سازوکارهای فعالیت و مهار، آن می‌سوزانیم.

در تایید این مدعا، کافی است نگاه کنیم به سهم اندک پژوهش‌ها و مطالعات مستققی که در نهادهای آموزشی و

پژوهشی کشور در استان‌های اصفهان، تهران، مرکزی، خوزستان، بوشهر و دیگر نهادهای عالی مرتبط در زاگرس انجام گرفته است تا نشان دهند که به راستی، چه سهمی از ریزگردهایی که شتابان چتر خود را بر ایران‌زمین گسترش می‌دهند، منشأ داخلی دارند؛ تالابی دارند؛ از عراق آمده‌اند یا ریشه در ریع‌التحالی و آفریقا دارند؟

به راستی چرا این‌گونه لاک‌پشتی حرکت می‌کنیم؟ حتی کندتر از شتاب بازشدن چتر ریزگردها بر آسمان جنوب باختری «اسی» مگر نمی‌دانیم که ریزگردها سبب تشدید بیماری‌هایی چون مننژیت، تب‌ده، اسه، امراض ویروسی و آسیب بر DNA پوست و ریه می‌شوند و مگر نمی‌دانیم که به ازای افزایش هر ۱۰ میکروگرم در مترمکعب در غلظت ذرات معلق کوچک‌تر از ۱۰ میکرون در زمان رخداد ریزگرد، میزان مرگ و میر، یک‌صدک‌در افزایش می‌یابد؟

پرش از اخبار

«منطق الطیر» و «افسانه قرون» ویکتور هوگو در شهر کتاب

■ «ویکتور هوگو» نخستین بار که با ادبیات فارسی آشنا می‌شود، تحت‌تاثیر شاهنامه فردوسی و «منطق الطیر «عطار»، بخش بزرگی از «فسانه قرون» شاهکار خود را می‌سراید. افسانه قرون مجموعه‌ای از شعرهای روایی و تصویری ویکتور هوگوست که در ۱۸۵۹ منتشر شد. بیست‌وپنجاهمین مجموعه درس گفتارهایی درباره عطار به بررسی تطبیقی «منطق الطیر عطار و افسانه قرون ویکتور هوگو» اختصاص دارد که با سخنرانی دکتر سهیلا صلاحی‌مقدم در روز چهارشنبه دهم خرداد ساعت ۱۶:۳۰ در مرکز فرهنگی شهرکتاب واقع در خیابان شهیدبهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم بر گزار می‌شود.

روزنامه

دوشنبه ۸ خرداد ۱۳۹۱ | عرجم ۱۴۳۲ | ۲۸ می ۲۰۱۲ | سال نهم | شماره پیاپی ۱۵۴۰ | شماره ۶۱۶ دوره جدید | ۲۰ صفحه

شرق

با حضور «فریدون شهبازیان»، «محمد سریر» و «افشین یداللهی» بر گزار شد

آخرین «عصر شعر و ترانه» بهاره

شرق: شصت‌ودومین نشست از سری نشست‌های «عصر شعر و ترانه» که همزمان شده بود با دوم خرداد یکی از شلوغ‌ترین روزهایش را در حالی سپری کرد که فریدون شهبازیان، محمد سریر، افشین یداللهی، اهورا ایمان، ناصر چشم‌آذر، ستار اورکی، بامداد بیات، پدram کشتکار، بهروز صفاریان، روزبه بمانی، نیلوفر لاری‌پور، سعید شهروز، رسول پوتان، مهرداد نصرتی و رضا ایرانمنش در این مراسم حضور داشتند.

در این برنامه که اجرای آن برعهده عبدالجبار کاکایی بود، افشین یداللهی، نیلوفر لاری‌پور و بهروز صفاریان به عنوان کارشناسان ترانه و موسیقی به میزگرد کارشناسان دعوت شدند و در بخش شعر و ترانه‌خوانی، شاعران و ترانه‌سرایانی چون سیده رضازاده، سلمی تحصیلداری، حامد داراب، جواد نعمتی، الهام سلطانپور، الهام صداقتی، مهدی ایوبی، صابر قدیمی، احمد امیرخلیلی و باغبان به شعر و ترانه‌خوانی پرداختند و آثار برخی از آنها مورد نقد و بررسی قرار گرفت. پس از شنیدن چند قطعه شعر و نقد و بررسی آنها توسط میهمانان برنامه، به شوکت برای اجرای زنده چند قطعه موسیقی روی ترانه‌های خودش به روی سن دعوت شد و پس از آن شعرخوانی‌ها از سر گرفته شد.

یکی از بحث‌هایی که حول اشعار خوانده‌شده صورت گرفت در رابطه با عدم رعایت اعتدال و کنترل‌است اخلاقی – اجتماعی در غزل مدرن بود که افشین یداللهی با اشاره به اینکه به کارگیری کلمات و تغییر ناپایشت، به‌جای تحریک احساسات در مخاطب باعث جرح‌جهدار شدن احساسات او می‌شود، گفت: نحوه به کارگیری شاعر از یک کلمه خاص که ایجاد کنترل‌است اخلاقی می‌کند بسیار اهمیت دارد. چنانچه کلمه خاص به‌جا استفاده شود و تنها به قصد بره‌دری نباشد و شاعر با استفاده از آن مفهوم ذهنی خود را به درستی به مخاطب القا کند، اشکالی بر او وارد نیست. وی افزود: البته تواتر به کارگیری چنین کلمات و تعبیری باعث می‌شود تا گوش مخاطب به تکرار رسیده و از جایی شنیدن چنین تعبیری دیگر برای او لذتبخش نباشد و شاعر از آن پس دیگر نخواهد

صندوق پستی

داستان سد و خون و رودخانه

وفا علی‌کمالیان

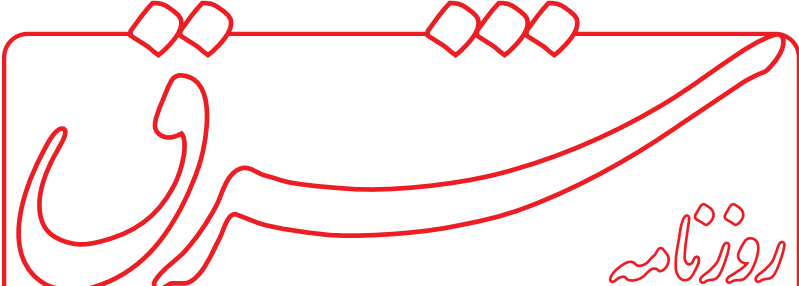
مرقومه جناب آقای «محمد درویش» را در روزنامه «شرق» مورخ اول خردادماه ۱۳۹۱، خواندم و سوختم. شک ندارم که جناب آقای درویش مستحضرند که هر کاری، هم جنبه‌های مثبت دارد و هم جنبه‌های منفی و یکی‌شک مستحضرند که هر توسعه‌افسار سبختخانه‌ای به بیان ایشان، نامیوم. در مقام دفاع از هر آنچه در مدیریت آب کشور است نیستیم، اما سوال‌هایی دارم، از نکاتی که امید داشتم ایشان در مرقومشان، اشاره و قهرسشان به آن می‌کردند و امیدوارم از سوی ایشان بی‌پاسخ نماند: - می‌دانیم که پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که در آینده‌ای نه‌چندان دور، مرزبندی‌ها براساس دسترسی به منابع آب شکل خواهند گرفت. در این راستا چطور آبی که با احداث همین سد‌ها، از مرزهای کشور خارج نمی‌شود، چقدر بوده‌است؟ ما چه کردایم و همسایگان چه کردند؟ راستش اینجا من هم منتقد مدیریت آب کشورم، که چرا این‌قدر کم‌فعالیت شده‌ است؟

- سطح زیر کشت در سال‌های اخیر چقدر اضافه شده‌ است؟ شرایط برای بهره‌گیری از روش‌های آبیاری نوین که کمتر آب مصرف می‌کنند، چقدر آماده‌تر شده‌ است؟ - انرژی برقایی تولیدی کشور که از مصرف سوخت‌های فسیلی یا روش‌های به شدت خطرناک‌تر دیگری می‌کاهد، چقدر افزایش یافته‌ است؟ - جمعیت کشور و نیاز به آب و غذا در ۲۵ سال گذشته چقدر افزایش یافته‌ است؟ با حذف این سد‌ها و به قول مرقومه ایشان، در شیشه نکردن خون رودخانه‌ها، آیا امروز منابع کافی برای این جمعیت داشتیم؟ - کدام بررسی جامع و کمی (کیفی و کلی‌گویی) اثر و نقش احداث سد‌ها در بیابان‌زایی را نشان داده و مهتر از آن، این نشان می‌دهد که ریزگردها، در صورت وجود، مقایسه نموده‌ است؟ اثر سایر عوامل در این بررسی چقدر بوده و چطور دیده شده‌ است؟ - آیا برای جلوگیری از اثرات نامطلوب طرح‌های توسعه منابع آب، تنها روش حفظ محیط‌زیست، روش‌های بازدارنده و جلوگیری‌کننده از ساخت سد، مهار آب، احداث راه، احداث تونل، ساخت فرودگاه و… است؟ یا روش‌های دیگری برای همراهی با این طرح‌ها، در عین حفاظت از محیط‌زیست هم وجود دارد؟ - به عنوان یک ایرانی، از سازمان‌های ذی‌ربط گله‌مندم، که آماری از کاهش خرابی‌های ناشی از سیل ارائه ندادند، اگر هم داده‌اند، از جناب آقای درویش

دکه

«بخارا» ۸۶ آمد

هشتادوششمین شماره «بخارا» در هشت‌صدم صفحه با مقالاتی از شفیع کدکنی، محمدعلی موحّد، احمد‌مهدی دامغانی، محمود دولت‌آبادی، سیمین بهبهانی، شهریار عدل، عزت‌الله فولادوند، محمدعلی همایون کاتوزیان، پرویز دویب، منصور اوچی، سیدعبده‌الله افوار، ترانه مسکوب، آنتونیا شرکا، بدرالزمان قریب، جلال خاقلی مطلق و… با تصویری از دکتر قمرآزما روی



نخستین درس گفتار «محمدعلی موحّد» بر گزار می‌شود

نخستین نشست از سلسله درس گفتارهای بنیاد شمس تبریزی امروز دوشنبه هشتم خرداد درباره مقالات شمس تبریزی و با حضور «دکتر محمدعلی موحّد» برپا خواهد شد. در این درس گفتارها، استاد محمدعلی موحّد، یکی از بزرگ‌ترین شارحان و مصححان آثار مولانا و شمس و نویسنده کتاب‌هایی چون «شمس پرزنده»، «باغ سبز» و «قصه قصه‌ها»، درباره مولانا و شمس تبریزی سخن خواهد گفت. نخستین نشست این مجموعه درس گفتارها امروز در مرکز آموزش موسسه فرهنگی اکو، واقع در خیابان ملامدرّا، خیابان پردیس، پلاک ۲۷ برپا می‌شود.

آقا اجازه

سکوت خاکستری

علی دهقان



■ ... آقا هزیر رفت که رفت و حیاط دبیرستان «سجاد» را سکوت پر کرد که کرد. خوب به یاد دارم، سه‌شنبه روزی بود. هوا کمی گرم می‌شد، بود و آقاس هزیر، هی می‌گفت، این سه‌شنبه‌ها نجس بوده‌اند و نجس شده‌اند. آقای هزیر هیچ‌وقت سه‌شنبه‌ها به مدرسه نمی‌آمد، این راه‌مه بچه‌های دبیرستان «سجاد» می‌دانستند. او همیشه سر کلاس ادبیات می‌گفت، وقتی سه‌شنبه‌ها می‌آیند من همش خیال می‌کنم آدم‌ها افتی شده‌اند و افتی روی خطوط سیماي شهر راه می‌روند. آدمی بود آقای هزیر برای خوشی، در طول دوران دبیرستان هیچ‌گاه نتوانستم بفهمم که چرا چشماش مات می‌شوند روی نقطه‌ای که نمی‌دانم به کجا میخ شده بودند و هیچ وقت نتوانستم درک کنم که چرا سکوت آقای هزیر آدم را می‌ترساند. این را حتی آقای کرباسیان هم نفهمید که ناظم دبیرستان بود و قدش بلند بود و وزنش زیاد بود و همیشه کد داشت و همیشه دگمه‌هایش تا زیر گلو بسته بودند و همیشه سجادی‌ها از او می‌ترسیدند. آقای کرباسیان یک روز در آخرین روزهای دبیرستان به من گفت که آقای هزیر یک خیال گنده است که درونش چراغ دارد اما باز هم تو از یک خاکستری سرد که کنار او ایستاده است، می‌ترسی. راست می‌گفت آقای کرباسیان، آقای هزیر، معلم ادبیات دبیرستان سجاد عاشق خاکستری بود و سه‌شنبه‌ها را روز خمیازه‌اسان می‌دانست، برای همین، آن روز وقتی از پنجره کلاس دیدم که آقای هزیر دست در جیبش کرده است و تنها لحظه‌های حیاط مدرسه را قدم می‌زند خودم را به او رساندم. معلم ادبیات ما م‌هان سایه همیشگی بود یا همان قد کوچک و شکم بزرگی که زیر پیراهنش مخفی شده بود. جلو رفتم، تعجبم را به نگاهش گره زدم. آقای هزیر لبخند زد. من در لبخند آرام او ذوب شدم. دستش روی شانه من نشست که نشست و من هنوز شاه‌ام گرم است که گرم است. گفتم، آقا هزیر امروز سه‌شنبه است و شمار در دبیرستان... که صدایم را قطع کرد. بوی ادبیات گرفته بود آقای هزیر، نمی‌دانم چرا اما برای لحظه‌ای گمان کردم که آرش از شعر بیرون آمده است و کمانش را به کمان نگاهش گره زده است. نگاه آقای هزیر، تا شد بود. گفت غصه دارم و می‌خواهم حرف بزنم. من شاگرد او بودم، خجالت کشیدم و آب شدم. آقای هزیر گفت: «مروارید بانو»، رفت که رفت و دیگر او را نمی‌بینم که نمی‌بینم. «مروارید بانو» عصرها همکار آقای هزیر بود. او هم یک پیکان داشت که هر غروب مسافران آرایش‌ها را به مقصد می‌رساند. آقای هزیر لرزید که لرزید و حیاط دبیرستان «سجاد» را سکوت پر کرد که کرد.

رادیو نوستالژی

تنهایی قاتل ماست

علی مسعودینیا



■ ۲۲ سال پیش در چنین روزی ترانه «قاتل» (Killer) بر صدر جدول برترین‌های موسیقی بریتانیا جای گرفت و تا چهار هفته این رتبه را حفظ کرد. این ترانه که حتما برای اهالی «رادیو نوستالژی» آشنا و خاطره‌انگیز است، محصول همکاری دو نفر بود: «آدامسکی» - آهنگساز مشهور موسیقی الکترونیک و «سیل» (Seal) - که در آن روز کار خوانندگی تازه‌کار بود. این ترانه هرچند با فروش قابل ملاحظه (۴۰۰هزار نسخه در بریتانیا) جیب‌های «آدامسکی» را پر کرد، اما در واقع نقطه ططف کارنامه هنری «سیل» بود که از یک خواننده معمولی کلوب‌های محلی و آماتور به یک خواننده محبوب و مشهور تبدیل شد. موسیقی این ترانه تماما الکترونیک و با رنگ‌آمیزی آن به گونه‌ای بود که اصوات و افکت‌های فضایی و ماشینی را با آوای پیانوی آکوستیک و ترمولو سینث تلفیق می‌کرد و به گونه‌ای حسی شبیه در خلأ بودن ان‌الفاظ می‌کرد. این حس کلاما با متن ترانه و صدای مخملین و حزن‌آلود و در عین حال خشک «سیل» هماهنگی داشت. «قاتل» ترانه‌ای بود در باب تنهایی و در تگوشش نژادپرستی. کلیپ این ترانه دیگر بسیار کدک‌ها به نظر می‌رسد. یکسال بعد «سیل» نسخه‌ای دیگر از این ترانه را اجرا کرد و موفق شد تا رده هشتم جدول بیلبورد بالا بیاید. ریتم و تم و ملودی این ترانه به قدری زیبا و تاثیرگذار است که بارها و بارها خوانندگان مختلف اجراهایی متفاوت از آن را عرضه داشته‌اند. از جمله «جورج مایکل» که در سال ۹۳ متن آن را تغییر داد و با یک کلیپ فوق‌العاده زیبا و تاثیرگذار، دوباره این ترانه را مطرح کرد. اما شاید برای نوستالژی‌ها،‌ها، صدای «سیل» چیز دیگری باشد. خصوصا آن دو سطر ابتدای و جملات شعاری پایان آهنگ که با سوز و گداز غریبی‌ا امی‌شود: «این تنهایی است/ قاتل ما اوست!.. ای برای منزوی! / آیا هنوز بخشی از وجودت هست که بخواهد زنده بماند؟»



ابوالفضل محترمی
untoons@gmail.com



هادی حیدری

درمخش را به چهره‌ای ماندگار در عرصه هنر کارتون ایران و جهان، تبدیل کرده حضور مستمر و پشتکار کم‌نظیر اوست؛ هنرمندی که سقفی برای پیشرفت ندارد و هر ساحتی برای او، عرصه خلاقیّت و نوآوری و زندگی است.

کسانی که او را می‌شناسند، به خوبی می‌دانند که بیماری‌های سختی را در سال‌های گذشته از سر گذرانده است. شاید هر کدام از ما زیر فشار گوشه‌ای از این بیماری‌ها، سر خم می‌کردیم و از زندگی و گوشه عزلت می‌گریدیم. کافی است سری به دفترش یا بزیند، هجوم خط‌های پرشماری را خواهید دید که هر کدام ترنم یک ایده ناب است، ایده‌هایی که به قول خودش برای اجرای آنها نیاز به سبب تولد امید و حرکت در نسل من.

حضور او منبع زایش امید و خلاقیت و جنب‌وجوش است.

حالا امروز، هفتادمین سال تولد کمبیز درم بخش

است.

از زندگی را کنار می‌زند که آدم‌ها با آن را نمی‌بینند یا خود را به ندیدن می‌زنند.

آری امروز کمبیز درم‌بخش هفتادساله می‌شود.

تولدت مبارک نوازنده «سمفونی خطوط»

شنبه ۲۶ می، در مرکز فرهنگ و هنر «اوناسیس» آتن جلسه نمادین محاکمه «سقراط» در حالی بر گزار شد که بسیاری از حقوق‌دانان معتبر

اروپایی و آمریکایی به عنوان وکلا و اعضای هیات منصفه در این محکمه حضور یافته بودند. در این محکمه نمادین برخی از وکلا نقش شاکي و برخی دیگر نقش مدافع را بازی کردند و در نهایت اکثریت اعضای هیات منصفه و حاضران در جلسه به برائت سقراط از اتهامات وارده رای دادند.

گفتنی است سقراط در جریان حکومت چهارساله ۳۰ مستبد در آتن جزو سه‌هزار شهروند آتنی بود که

چهارراه جهان

«سقراط» بعد از ۲۴۰۰ سال تبرئه شد

حقوق شهروندی‌شان از سوی حکومت مستبد تضمین شده بود و به همین دلیل دموکراسی خواهان آتنی پس از رسیدن مجدد به قدرت، وی را متهم به همکاری با دولت مستبدان کردند و در دادگاه وی را به سه بهانه منحرف کردن جوانان و توهین به خدایان محکوم به مرگ کردند. و این در حالی است که بسیاری از دوستان و شاگردان او از وی خواستند تا مقدمات فرارش از زنان را فراهم کنند اما سقراط با تندی‌رفتن این موضوع در نهایت جام شوکران را سر کشید و به تصمیم دادگاه گردن گذاشت. تصمیمی که امروز بعد از ۲۴۰۰ سال نقض شد.



گفتنی است سقراط در جریان حکومت چهارساله ۳۰ مستبد در آتن جزو سه‌هزار شهروند آتنی بود که